

بررسی نهاد دین و نقش اجتماعی پیامبر (ص) در مثنوی مولانا^۱

حمید خلجی

(دانشجوی دکترای جامعه‌شناسی - دانشگاه آزاد اسلامی آستیان)

چکیده

این مقاله که بر اساس تحقیقی جامعه‌شناختی در باره مثنوی معنوی نوشته شده است بر آن است که نقش اجتماعی پیامبر اسلام (ص) و جایگاه نهاد اجتماعی دین در حکایت‌های مثنوی را آشکار سازد. جامعه‌آماری در این تحقیق تمام داستانهای مثنوی بوده است. نویسنده بر آن بوده است که فراوانی نقش پیامبر (ص) به عنوان نقش اصلی و نیز نهاد دین به عنوان نهاد اصلی در داستانها را بررسی کند. در نهایت آنچه که به دست آمده، نشان می‌دهد که نهاد دین در بین پنج نهاد اجتماعی و نقش اجتماعی پیامبر (ص) (در شکل‌های پیامبر، نبی، رسول، مصطفی و...) در داستانها مثنوی معنوی بیشترین فراوانی را داشته‌اند.

کلیدواژه‌ها: مثنوی معنوی، جامعه‌شناسی، پیامبر، نهاد دین

^۱ این مقاله برگرفته از رساله کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی نگارنده (به راهنمایی دکتر سید محمود نجاتی حسینی، ۱۳۹۲، دانشگاه آزاد اسلامی) است.

مقدمه

مثنوی معنوی اثر جاودانه مولانا جلال الدین محمد بلخی به مثابه اثری از آثار موفق ادبی ایران و جهان، نمونه ای ارزنده و مهم در تاریخ ادبیات جهان است که با تحلیل جامعه شناختی آن، از منظر جامعه‌شناسی تاریخی می‌توان به دانسته‌های زیادی از اوضاع اجتماعی و بایدها و نبایدهایی که از فکر و تجربه و روانشناسی اجتماعی مولانا سرچشمه می‌گیرد و از آن به اندیشه اجتماعی تعبیر می‌شود، دست یافت.

علاقه شخص مولانا به شخصیت پیامبر اسلام(ص) را در جای جای مثنوی به وفور می‌توان مشاهده کرد. بیان ابیات و داستانهایی از زندگانی، معجزات و سیره پیامبر(ص) در شکل‌های مختلف در مثنوی موجود است.

نام احمد نام جمله‌ی انبیاست	چونک صد آمد نود هم پیش ماست (۱۱۰۶/۱)
با محمد بود عشق پاک جفت	بهر عشق او را خدا لولاک گفت (۲۷۳۷/۵)
پس محمد صد قیامت بود نقد	ز آنک حل شد در فنای حل و عقد
زاده‌ی ثانیست احمد در جهان	صد قیامت بود او اندر عیـان
زو قیامت را همی‌پرسیده‌اند	ای قیامت تا قیامت راه چنـد (۷۵۲-۷۵۰/۶)

بررسی نهادهای اجتماعی به کار رفته در داستانهای مثنوی به عنوان یک شاخص جامعه شناختی، می‌تواند نشان گر میزان نقش دین در زندگی اجتماعی عصر مولانا باشد. بسیاری از بزرگان نیز مثنوی را ترجمه ای مفهومی از قرآن و مفاهیم اصلی آن را بر گرفته از کتاب آسمانی مسلمانان دانسته اند.

شیخ بهایی می‌گوید:

من نمی‌گویم که آن عالی جناب	هست پیغمبر، ولی دارد کتاب
مثنوی او چو قرآن مـدل	هادی بعضی و بعضی را مـذل

خود مولانا نیز در دیباچه دفتر اول می‌گوید: «هذا کتاب المثنوی و هو اصول اصول الدین» که این نیز می‌تواند دلیل بر محوریت اصلی مثنوی بر دین باشد.

پرسش‌ها

- ۱- میزان پردازش به نهادهای اجتماعی (سیاست، خانواده، اقتصاد، دین، آموزش و پرورش،...) و به طور اخص نهاد دین در داستان‌های مثنوی چه مقدار است؟
- ۲- عمده ترین نقش در عرصه حیات اجتماعی در مثنوی کدام است؟

زندگی و احوال مولانا

نام مولانا به اتفاق تذکره نویسان، محمد و لقب او جلال الدین است و همه مورخان او را بدین نام و لقب شناخته اند.

لقب مولوی که امروزه آن را می‌شناسیم از ابتدا در زمره لقب‌های خاص او نبوده و گویا برگرفته از مولای روم (به دلیل اقامت طولانی اش در شهر قونیه) باشد. وی در تاریخ ربیع الاول 604 قمری در بلخ به دنیا آمد و در پنجم جمادی الآخر سال 672 قمری در قونیه درگذشت. پدر مولانا محمد بن حسین، خطیبی است که به بهاء ولد معروف شده و او را سلطان العلماء لقب داده اند.

بهاء ولد به سبب رنجش خاطر از سلطان خوارزمشاهی، ناسازگاری با فلاسفه و نیز مخالفت رو در رو با فخر رازی که منجر به برانگیختن سلطان توسط فخر رازی بر ضد بهاء ولد می‌شد، در نهایت در حالی که مولوی پنج سال بیشتر نداشت مجبور به ترک وطن شد. پدر مولانا پس از ترک وطن قصد حج نمود و به سوی بغداد حرکت کرد. چون به نیشابور رسید، با شیخ فرید الدین عطار ملاقات کرد و به گفته دولتشاه، شیخ عطار خود به دیدن مولانا بهاء الدین آمد و در آن وقت مولانا جلال الدین کوچک بود، شیخ عطار کتاب اسرارنامه را به هدیه به مولانا جلال الدین داد و مولانا بهاء الدین گفت زود باشد که این پسر تو آتش در سوختگان عالم زند. هنگامی که مولانا 24 ساله بود، پدرش به دیار باقی شتافت و بنا به وصیت پدرش و به خواهش سلطان علاء الدین، به جای پدر به وعظ و خطابه مشغول شد.

در این ایام بود که با برهان الدین محقق ترمذی آشنا شد. مولانا در حضور برهان الدین ترمذی شاگردی کرد و مدتی پس از آن حدود 7 سال قونیه را ترک کرد و در حلب و شام سکنی گزید. پس از آن دوباره به قونیه برگشت و به شاگردی برهان الدین محقق ادامه داد. برهان الدین علاوه بر کمال اخلاقی و سیر و سلوک صوفیان و طی کمالات معنوی دانشمندی کامل و فاضلی مطلع بود و پیوسته کتب و اسرار متقدمان را مطالعه می‌کرد.

پس از وفات محقق، مولانا حدود پنج سال (638 تا 642) خود به درس فقه و علوم می‌پرداخت. تا زمانی که با شمس تبریزی آشنا شد. شمس از مردم تبریز بود و خاندان وی هم اهل تبریز بودند. گویا مولانا روزی در شهر با شمس برخورد می‌کند و شمس سؤالی از مولانا می‌پرسد که مولوی از هیئت آن سؤال بی هوش می‌شود و پس از هوشیاری، شمس را به حجره خود می‌برد. اینکه مولانا از شمس چه دیده که چنین شیفته وی شده به درستی معلوم نیست، اما هرچه هست که دیدار شمس برای مولوی انقلابی بزرگ بود.

این شیفتگی تا حدی بود که مولانا از دوستان و مریدان خود برید و به خلوت پناه برد. تا آنجایی که مریدان و اهل قونیه به ملامت وی برخاستند. در اثر فشارهای مردم و ساحر خواندن

شمس الدین، وی مجبور به مسافرت به دمشق شد تا اینکه خبر وفات او را برای مولانا آوردند. اما مولانا باور نکرد و آن را ساخته دست دشمنان خود دانست و برای جستجوی شمس به دمشق سفر کرد؛ اما وی را نجست و به قونیه باز آمد و چون از یافتن شمس نا امید شد، از آن پس در قونیه بنای وعظ و تربیت و ارشاد را باز به پا داشت.

اما بهترین یادگار صحبت مولانا با حسام الدین، بی گمان نظم مثنوی است که یکی از مهمترین آثار ادبی ایران و به هیچ شبهه ای بزرگترین و عالی ترین آثار متصرفه اسلام می باشد و سبب افاضه و علت افاده این فیض عظیم از وجود مولانا همانا حسام الدین چلبی بوده است. حسام الدین شبی از مولانا درخواست نمود که کتابی مانند الهی نامه سنایی (حدیقه الحقیقه) بسراید که مولانا از سر دستار خود اشعاری که مشتمل بر 18 بیت اول مثنوی نی نامه رابه وی می دهد. پس از اتمام دفتر اول به دلیل فوت یکی از نزدیکان چلبی، کارمثنوی دوسال به تأخیر افتاد.

مدتی این مثنوی تأخیر شد مهلتی بایست تا خون شیر شد
همنشینی مولوی با چلبی حدود پانزده سال به طول انجامید تا اینکه در روز یکشنبه پنجم جمادی الآخر سال 672 در حالی که بیمار بود، طبابت طبیبان هم اثری بر او نداشت. هنگامی که مردم قونیه به عیادت وی آمده بودند، مولوی این غزل را گفت :
چه دانی تو که در باطن چه شاهی همنشین دارم رخ زرین من منگر که پای آهنین دارم
مقبره مولانا هم اکنون در قونیه زیارتگاه اهل دل و دوستان وی است.

اوضاع اجتماعی و سیاسی عصر مولانا

برای این که بتوانیم یک نگاه درست به اوضاع اجتماعی و سیاسی عصر مولانا داشته باشیم، باید در یک دید کلی به تاریخ و فراز و نشیب های آن بنگریم.

همواره دو واقعه مهم در تاریخ ایران مورد توجه خاص می باشد؛ یکی حمله اعراب به ایران و دیگر حمله مغول. در حمله اعراب دین اسلام وارد ایران شد. با آمدن دین اسلام تحولات بزرگ سیاسی و اجتماعی شکل گرفت. البته به این معنی که فرهنگ ایرانی کاملاً هویت خود را از دست بدهد. بلکه با حفظ عناصر فرهنگی، فرهنگ آمیخته ی ایرانی - اسلامی به وجود آمد که تفاوت های زیادی به فرهنگ اسلامی اعراب آن زمان داشت.

رویداد دوم که استیلای قوم وحشی مغول بر سرزمین های شرقی و اسلامی بود و ایران یکی از اصلی ترین سرزمین هایی بود که به آن آسیب زیادی رسید.

ورود مغولان به ایران، نتیجه ای جز ویرانی، کشتار، عقب افتادگی و اختناق در پی نداشت. اما باز هم غنای فرهنگ ایرانی تسلیم توحش مغولی نشد. بلکه از سالهای ابتدایی حمله تا وقتی که قوم مغول در فرهنگ ایرانی حل شود، به دلیل فشارهای زیاد، ایرانیان رفته رفته روی به درون

گرایی و تصوف آوردند. در نتیجه این اختناق است که شعرای این عصر همواره اشعاری دو پهلو دارند و نمی‌توانند در شرایط اجتماعی آن دوران متصرفان و حاکمان وقت را مذمت کنند. مولانا در زمان سلطان محمد خوارزمشاه به دنیا آمد. خوارزمشاه، موطن جلال الدین را که در تصرف غوریان بود تسخیر کرد. لشکرکشی‌ها و کشمکش‌های خوارزمشاه، اوضاع کشور را به سختی نابسامان کرده بود. دربار سلطان نیز عرصه بازی‌های سیاسی قدرت طلبان و لشکری و ارباب مذاهب کلامی شده بود. در قلمرو سلطان محمد خوارزمشاه که بلخ هم کوتاه زمانی قبل از ولادت مولانا به آن پیوسته بود (602) تعداد واعظان بسیار بود. بهاء ولد از واعظانی بود که از ارتباط با حکام و فرمانروایان عصر ترفع می‌ورزید و حتی قربت سببی را که به موجب بعضی از روایات با سلطان داشت - اگر داشت - وسیله ای برای تقرب به سلطان نمی‌کرد.

در آن زمان بلخ یکی از مراکز علمی اسلامی بود. این شهر باستانی در دوره پیدایش تصرف شرق سهم مهمی را ایفا کرده و موطن بسیاری از علمای مسلمان در نخستین سده‌های هجری بود. ناسازگاری بهاء ولد با فلسفه دانان آن زمان مانند فخر رازی و حمایت و گرایش سلطان به فلسفه و اینکه اساساً فلسفه با چون و چرا سر و کار داشت، با ایمان که تسلیم و قبول را الزام می‌کرد، مغایر بود، رفته رفته خروج وی از بلخ را موجب شد. به این دلیل بهاء ولد و مریدانش در زمانی که شهر بلخ در سال 617 به دست مغولان به ویرانه ای تبدیل شد، از آنجا بسیار فاصله گرفته بودند.

عدم وحدت سیاسی که ناشی از ناتوانی حکومت مرکزی بود و بی نظمی اجتماعی که در اثر حمله مغولان ایجاد شده بود، موجب نا امنی سرزمین آناتولی و تسلط همه جانبه مغولان بر حکام سلجوقی می‌شد.

مهمترین عامل نابسامانی و تزلزل پایه‌های حکومت در این دوران، عدم مدیریت و ناهماهنگی سران حکومت بود. خوشگذرانی درباریان و مالیات‌های سنگین و قحطی‌های ناشی از فقدان بارندگی و ناملایماتی از این قبیل، موجب بی نظمی و هرج و مرج و آشوب اجتماعی در این قرن بود.

در قرن هفتم، سهل انگاری سلجوقیان در مورد ادیان و مذاهب از سویی و ترک تازی مغولان و ناامنی و عدم تمرکز حکومتی قدرتمند از سوی دیگر، موجب پیشرفت تصرف در آناتولی گردید. به علت هجوم مغولان، مشایخ پرنفوذ، علما و شعرای نام آوری مثل فخرالدین عراقی، نجم الدین دایه و اوحد الدین کرمانی به آناتولی مهاجرت کردند و افکار و مسلک و مشرب آنان در آن سرزمین رواج یافت.

آثار مولانا

- ۱- غزلیات : این اثر که معروف به کلیات یا دیوان شمس است، مجموعاً حدود صد غزل است که مشتمل است بر غزلیاتی که مولانا به نام یاران خود، شمس الدین و صلاح الدین و چلبی سروده که بیشتر آنها مشتمل نام شمس است.
- ۲- مثنوی معنوی : مثنوی دارای شش دفتر است که حدود 26000 بیت می‌شود. آخرین دفتر که از حیث بیان حکایت ناتمام می‌باشد و شرح آن در بخش‌های قبلی آمده است. مرحوم فروزانفر درباره قصه‌ها و تمثیلات مثنوی گفته است : از لحاظ تمثيل و حکایت در مثنوی بیش از هر کتابی از کتب زبان فارسی تمثيل و حکایت وجود دارد... و این حکایت و تمثیلات در مثنوی مجموعاً 275 حکایت است که از اینها 264 حکایت را در مأخذ قصص و تمثیلات ذکر کرده ام و سابقه آن را در ادبیات فارسی به اطلاع رسانده ام و از 164 حکایت 110 حکایت مأخذ ایرانی دارد... و اگر به همین کتاب مأخذ قصص و تمثیلات مراجعه کنیم می‌بینیم که بیشتر این قصه‌ها و حکایات از کتب فارسی مانند چهار مقاله، اسرار التوحید، کلیله و دمنه، تذکره الاولیاء، شاهنامه، جوامع الحکایات، کیمیای سعادت، مرزبان نامه و آثار عطار و سنایی اخذ شده و یا به همان شکل اصلی و یا با تغییرات در مثنوی آمده است.
- ۳- رباعیات : مجموعه رباعیات مولوی که حدود 1659 رباعی یا 3318 بیت است که بعضی از آنها به شهادت قرائن مربوط به مولانا است و درباره قسمتی هم تردید وجود دارد.
- ۴- فیه ما فیه : مجموعه ای از خطابه‌های مولانا در مجالس وی است که پسر او بهاء الدین به همراه برخی مریدان، آنها را یادداشت و جمع آوری کرده اند.
- ۵- مکاتیب : مجموعه ای از نامه‌ها و مکتوبات مولانا (حدود 145) که به امیران، مأموران، بازرگانان، نویسندگان، اشراف، اولاد، محبان، عاشقان و دیگران است که مضمون بیشترشان انواع سفارش‌ها و توصیه‌های گوناگون دینی و معنوی است.
- ۶- مجالس سبعه : عبارت است از مواعظ و مجالس مولانا یعنی سخنانی که به وجه اندرز و به طریق تذکیر بر سر منبر بیان فرموده است. صاحب‌نظران می‌گویند این اثر، به دلیل سادگی در زبان، کلید فهم مثنوی است.

مولوی پژوهی و مثنوی پژوهی ها

مثنوی معنوی به دلیل بزرگی و معروفیتش، از همان دوره‌های سروده شدنش مورد توجه خاص و عام بوده است. در سالهای اخیر هم به مدد گسترش و رواج ارتباطات بشری، این اثر گرانقدر هر چه بیشتر در بین جهانیان شناخته شده است. در بین ملل مختلف و عمدتاً در جهان پارسی زبان، هر کسی بنابر فهم یا نیاز فکری خود به تجلیل و شرح مثنوی پرداخته است.

در یک نگاه اجمالی به مثنوی پژوهی ها، می‌توان آنها را از چند نظر تقسیم بندی کرد:

- 1- از نظر رویکرد: عرفانی، ادبی، فلسفی، مقایسه ای
- 2- از نظر حوزه جغرافیایی: ایران، ترکیه، شبه قاره، غرب
- 3- از نظر کمی: شرح دیباچه، شرح گزیده، شرح بیت به بیت، شرح موضوعی و شرح کامل
- 4- از نظر موضوعی
- 5- از نظر صوری: شرح منظوم، شرح منثور

مبانی و چارچوب نظری

جامعه شناسی ادبیات اثر ادبی را مانند یک شیء اجتماعی مطالعه مورد بررسی قرار داده و طی این بررسی در پی شناخت مناسبات اثر با جامعه است.

تأثیر متقابل جامعه و ادبیات بر یکدیگر

ادبیات آینه فرهنگ و تمدن یک ملت است و بسیاری از مسایل مانند شیوه زندگی، طرز فکر، عقاید مذهبی و اخلاقی، آداب و رسوم و مانند اینها در آثار ادبی نمایان می‌شود. با یک نگاه تاریخی می‌بینیم که ادبیات همواره پا به پای تاریخ حرکت کرده و حتی در زمانهایی که به هر دلیل تاریخ از بازنمایی حوادث جا مانده یا نخواست که آنچه هست بیان شود، ادبیات به بیان و انعکاس رویدادها به طور مستقیم یا غیر مستقیم پرداخته است. بیان رویدادهای جامعه خود از طرفی بر جامعه تأثیر مجدد خواهد گذاشت. به عبارتی ادبیات همواره وسیله ای برای کسب اطلاع در باره جامعه بوده است و از طرفی تأثیر ادبیات در شکل دهی و خلق عمل اجتماعی نیز همواره مورد توجه است. رویکرد اول یعنی این طرز تفکر که ادبیات می‌تواند حاوی اطلاعاتی در مورد رفتار و ارزشهای اجتماعی باشد، به طور کلی به نظریه بازتاب (Reflection theory) شهرت دارد. متون ادبی، به شیوه‌های مختلف، به عنوان بازتاب دهنده‌ی اقتصاد، روابط خانوادگی، اقلیمی و چشم اندازها، ایستارها، اخلاقیات، نژادها، طبقات اجتماعی، رویدادهای سیاسی، جنگها و مذهب جامعه ای که این متون را تولید می‌کند توصیف شده اند.

نظریه‌های مطرح در جامعه شناسی ادبیات به دلیل نزدیکی اش به حوزه‌هایی مانند جامعه شناسی هنر، همواره با نوعی تلفیق حوزه ایی همراه بوده و کمتر نظریه پردازی به طور صرف در این حوزه نظریه پردازی کرده است. با این وجود، به برخی از نظریه‌های مرتبط اشاره می‌کنیم.

گئورگ لوکاچ و جامعه‌شناسی ادبیات

هدف اصلی لوکاچ در ادبیات عبارت است از تشریح نظریه بازتاب فکر، که در آن به تأثیر شرایط وجودی زندگی بر آثار هنری معاصر آنها تأکید می‌کند. پذیرش قسمت جهان خارجی، از نظر لوکاچ، اساس فهم درست از واقعیت است. این مطلب یعنی واقعیت، مستقل از آگاهی انسان وجود دارد. پس درک جهان خارجی از طریق بازتاب آن در آگاهی ممکن می‌شود. آثار هنری به عنوان شناختی از این قاعده مستثنا نیستند. آنها هم بازتاب واقعیتند. به عبارت دیگر نظریه لوکاچ براساس پذیرش وجود شناسانه یک جهان خارجی بنا شده است (راودراد، ۱۳۹۰: ۷۹).

لوکاچ به جبریت اجتماعی هنر معتقد است و بر این باور است که آثار هنری و ادبی از اساس مادی خود متأثرند. از نظر لوکاچ آنچه هنر نمایش می‌دهد، یک جهان خصوصی نیست، بلکه یک کل منظم است که در تجربه‌ی جمعی نوع بشر ریشه دارد.

لوسین گلدمن

گلدمن روش خود را «ساخت گرای تکوینی» نامید. ساخت گرا از این لحاظ که به بررسی ساختارهای اثر و رابطه‌ی آن با ساختارهای ذهنی می‌پردازد و تکوینی از این لحاظ که علت به وجود آمدن این ساختارها را براساس شرایط تاریخی تشریح می‌کند. همچنین گلدمن با انتخاب این عنوان، بر تفاوت روش خود با جامعه‌شناسی عامیانه و فرمالیسم ساخت گرا، تأکید می‌کند. زیرا در جامعه‌شناسی عامیانه، اثر ادبی بازتاب محتوای آگاهی جمعی تلقی می‌شد و در نتیجه رابطه‌ی این دو در سطح محتوا، مورد بررسی قرار می‌گرفت، حال آنکه در روش ساخت گرای تکوینی، اثر ادبی نه بازتاب آگاهی جمعی، بلکه سازنده و منسجم کننده آن محسوب می‌شود و رابطه‌ی آن نیز، در سطح ساختارها مورد بررسی قرار می‌گرفت، نه صرفاً در سطح محتوا.

لوکاچ نویسنده را تنها فاعل اثر ادبی می‌داند اما گلدمن ساختارهای ذهنی فرا فردی را آفریننده اثر هنری می‌داند. البته نه اینکه فرد را به کلی منکر شده بلکه آن را عاملی برای تبدیل جهان نگری بالقوه به بالفعل می‌داند.

گلدمن در مورد نقد آثار ادبی، روش دو مرحله‌ای را توصیه می‌کند که همان تفسیر و تشریح است.

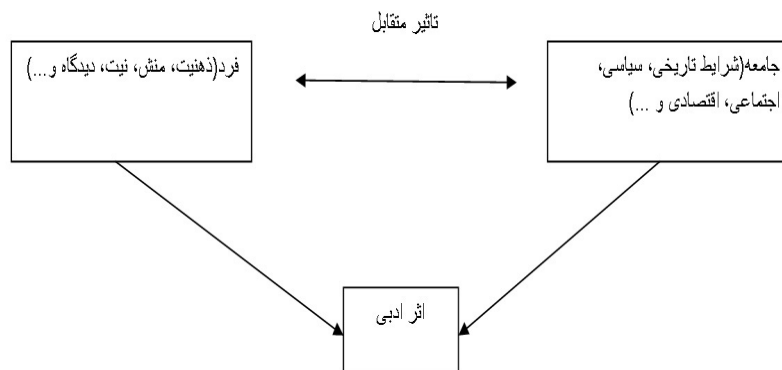
در مرحله تفسیر یا دریافت، بعد از مطالعه اثر، الگویی به عنوان فرضیه معرفی می‌شود سپس اثر جمله به جمله (یا بیت به بیت) بازخوانی شده، با الگوی اولیه تطبیق داده می‌شود و در نتیجه قسمت‌هایی از الگو حذف و نکات دیگری به آن اضافه می‌شود؛ تا جایی که بتوان براساس الگوی ارائه شده حداقل متن را تفسیر کرد. بعد از آنکه براساس الگو، ساختار معنا دار متن یافته شد، این ساختار در ساختار فراگیر تاریخی شکل دهنده اش، بررسی می‌شود. در این حالت دریافت به

تشریح تبدیل می‌شود. ساختار فراگیر نیز به نوبه‌ی خود، می‌تواند در ساختار فراگیری که آن را در بر گرفته است قرار بگیرد و تشریح شود و همین طور الی آخر(ولی پور هفشجانی، ۱۳۸۷: ۵).

پیر بوردیو و جامعه‌شناسی ادبیات

بوردیو خود از جمله معدود جامعه‌شناسانی است که هم نظریه‌پردازی شهیر است و هم پژوهش‌های تجربی پرشماری انجام داده است و به ارتباط تنگاتنگ روش و نظریه معتقد است. وی همواره با عنایت به نظریه عام خود، بین رابطه‌ی میدان مورد بررسی با نقش و خلق و خوی مناسب با آن میدان توجه دارد. به این منظور بوردیو فراگردی سه مرحله‌ای را در تحلیل میدان به کار می‌گیرد: درنخستین مرحله، رابطه آن میدان خاص را با میدان قدرت بررسی می‌کند. در دومین مرحله، به ترسیم ساختار عینی روابط میان جایگاه‌های درون یک میدان می‌پردازد و بالاخره در مرحله سوم، نقش‌های عواملی را که انواع جایگاه‌های درون یک زمینه را اشغال می‌کنند، تعیین می‌کند.

براساس آنچه بیان شد، به نظر می‌رسد تحلیل کتاب مثنوی معنوی باید با استفاده از تلفیق نظریه‌های بوردیو، لوکاچ و گلدمن انجام شود. با این تفسیر الگوی زیر قابل استنباط خواهد بود:



استنباط نظری از سه نظریه مذکور می‌تواند رهیافتی طبق جدول زیر به ما ارائه دهد:

نظریه پرداز	نظریه	ایده اصلی	تعمیم به رساله	مفروضات
گئورگ لوکاچ	(نظریه بازتاب فکر) تاثیر زندگی وجودی بر آثار هنری	آثار هنری بازتابی از واقعیتند.	اثر ادبی هم از محیط اجتماعی خود تاثیر می‌گیرد و یا به عبارتی هر اثر هنری بازتاب زمانه خویش است و هم اینکه شخصیت، روحیات، خلقیات و مشخصات فرد آفریننده آن نیز سواى شرایط اجتماعی، بر اثر ادبی موثر خواهد بود.	۱- به نظر می‌رسد مولانا همزیستی مسالمت آمیز اجتماعی را با وجود تفاوت‌های نژادی، مذهبی، فرهنگی و... توصیه می‌کند و ملاک همزیستی را نیز وجود ارزش‌ها و اخلاقیات اجتماعی مشترک می‌داند.
لوسین گلدمن	(ساخت گرای تکوینی) در ساخت گرای تکوینی لوسین گلدمن، بررسی ساختارها به خودی خود، به شیوه‌ی ایستا و تغییرناپذیر مورد نظر نیست، بلکه هدف، بررسی فرآیند دیالکتیکی تحول ساختارها و کارکرد آن هاست.	ساختارهای ذهنی فرافردی آفریننده اثر هنری هستند. تاثیر عوامل اقتصادی و اجتماعی بر آفرینش ادبی.	۲- به نظر می‌رسد با توجه به رویکرد دین مدار مولوی، به نهاد دین نسبت به سایر نهادها در مثنوی اهمیت بیشتری داده شده و سایر نهادها در خدمت این نهاد هستند.	
پیر بورديو	اهمیت همزمان زمینه‌های اجتماعی و ساختمان ذهنی آفریننده در خلق اثر هنری	تاثیر همزمان میدان و منش در تولید اثر هنری و ادبی		

روش و تکنیک

-روش تحقیق: روش تحقیق از نوع تجربه غیرمستقیم است. منظور از تجربه غیرمستقیم، رجوع با واسطه به واقعیت اجتماعی است. در این تحقیق مثنوی معنوی به مثابه یک پدیده تاریخی نگریسته می‌شود و با رجوع به شواهد تاریخی متن مثنوی و زمینه‌های اجتماعی آن، با رویکردی کیفی و تأویلی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

-تکنیک تحقیق، تحلیل محتواست. از تحلیل محتوا تعاریف گوناگونی به عمل آمده که بخشی از اختلاف به تاریخچه این تکنیک و روند تکاملی آن بر می‌گردد و بخشی دیگر از آن مربوط به تفاوت در حوزه گسترده این تکنیک است. براساس تعریف، تحلیل محتوا عبارت است از مطالعه منظم، عینی و کمی محتوای آشکار ارتباط‌ها. در واقع تحلیل محتوا، تکنیکی برای استخراج داده‌ها از متن است که دارای ویژگی‌های خاص خود می‌باشد.

پس از استخراج اطلاعات و تنظیم الفبایی هردسته از اطلاعات به دست آمده که با هدف ترسیم، تأویل، درک متنی و فرا متنی انجام گرفت، با استفاده از ابزار پرسشنامه معکوس

اطلاعات دسته بندی خواهد شد و با ورود اطلاعات به صورت کمی به شبکه نرم افزاری SPSS امکان تحلیل کمی اطلاعات نیز فراهم شده است.

- واحد بررسی، داستان است که مضمون داستان‌های مثنوی در برخی موارد به صورت متوالی و در برخی موارد به طور متناوب آمده است. مثلاً ممکن است داستانی در یک دفتر شروع شده و در دفتری دیگر تمام شده باشد. همچنین درون برخی داستان‌ها، داستان یا حکایت دیگری است که براساس مضمون و مفهوم آن به طور جداگانه شمارش خواهند شد. نهایتاً در بررسی داستانها هم شکل داستانی آن بررسی می‌شود و هم مضمون آن.

- جامعه آماری تمام داستانهای مثنوی معنوی است.

یافته ها

در پاسخ به سوال اول طبق اطلاعات مندرج در جدول زیر در خواهیم یافت که بیشترین فراوانی را در مثنوی نهاد دین از آن خود کرده است. بنابر این نهاد دین از نظر مولوی مهمترین نهاد اجتماعی است.

جدول ۱- توزیع فراوانی نهادها در داستانها

نهاد اجتماعی	فراوانی	درصد	نهاد اجتماعی	فراوانی	درصد	نهاد اجتماعی	فراوانی	درصد
دین	72	23.8	سیاست و حکومت	12	4.0	آموزش و پرورش و علم	4	1.3
خانواده	19	6.3	اقتصاد	5	1.7			
			جمع	112	37.1			

در مورد نقشهای اجتماعی موجود در مثنوی نیز نتایج طبق جدول زیر استخراج شده است:

جدول ۲- فراوانی نقش اول اجتماعی

نقش اجتماعی	فراوانی	درصد	نقش اجتماعی	فراوانی	درصد	نقش اجتماعی	فراوانی	درصد
نبی/پیامبر	51	16.3	مسلمان	2	.6	کنیز	1	.3
شاه/حاکم/سلطان	24	7.7	مفلس	2	.6	گدا/سائل	1	.3
عاشق	9	2.9	وزیر	2	.6	محتسب	1	.3
صوفی	8	2.6	مارگیر	2	.6	منافق	1	.3
خلیفه	7	2.2	پارسا	2	.6	مهمان	1	.3
درویش	6	1.9	شبان/چوپان	2	.6	نحوی(نحوشناس)	1	.3
خواجه	5	1.6	موذن	2	.6	نساخ/کاتب	1	.3
زن(همسر)	5	1.6	روستایی	2	.6	نقاش	1	.3
دزد	4	1.3	شاعر	2	.6	نگهبان	1	.3

غلام	4	1.3	زاهد	2	6	همسایه	1	3
فرشته	4	1.3	بیمار	2	6	واعظ	1	3
امام	3	1.0	بازرگان	1	3	یار	1	3
صیاد	3	1.0	باغبان	1	3	روستایی	1	3
فرعون	3	1.0	بقال	1	3	دلک	1	3
استاد	2	6	پدر	1	3	هندو	1	3
دلاک	2	6	حکیم	1	3	عالم/فرهیخته	1	3
اعرابی	2	6	دایه	1	3	دباغ	1	3
طبيب	2	6	دشمن/عدو	1	3	مسافر	1	3
عارف	2	6	زرگر	1	3	راهب	1	3
مرشد/پیر	2	6	عطار	1	3	جمع	201	64.4
مرید	2	6	قاضی	1	3	سایر	101	35.6
						جمع	302	100.0

در جدول فوق مشاهده می‌شود که بیشترین فراوانی نقشه اول داستانها از آن نقش پیامبر در قالبهای گوناگون (پیامبر، نبی، رسول و...) است. به عبارتی موضوع اصلی داستان حول نقش پیامبر(ص) و با محوریت ایشان بوده است.

نتیجه

ادبیات وزین و پرمغز ایران، علاوه بر ظاهر زیبا و بیان آهنگین، دارای معانی بسیار زیباتری نیز هست که همواره شاعران بزرگ این سرزمین، سعی بر استفاده از آن به ویژه برای بیان اهداف و مقاصد اجتماعی، تربیتی، دینی و... داشته‌اند. مولوی نیز با بهره‌گیری بی‌نظیر از کتاب قرآن، به معرفی شخصیت نبی اکرم(ص) و ترویج مفاهیم دینی پرداخته و به خوبی هم از عهده این کار برآمده است.

در پاسخ به سوالات اساسی تحقیق می‌توان دریافت که از نظر مولوی نهاد دین مهمترین نهاد در جامعه است و نقش پیامبر هم در جامعه عصر مولانا پررنگ ترین نقش اجتماعی بوده است. تحقیق حاضر نشان می‌دهد کتاب مثنوی معنوی به عنوان یک شاهکار ادبی، می‌تواند الگوی بسیار خوبی برای زندگی اجتماعی انسانها باشد. نگاه فراملی مولوی این امکان را فراهم آورده که هر انسانی با هر زبان و آیینی بتواند بهره لازم را از این اثر ببرد. دعوت به همدلی، اتحاد، دیگردوستی و صلح طلبی در مثنوی پیامی است که جهان تشنه صلح امروز را می‌تواند راهنما باشد.

مثنوی ما دکان وحدت است غیر واحد هر چه بینی آن بت است

منابع

- خاتمی، احمد، آسمانهای دگر: راهنمای پژوهش در مثنوی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۹۰.
- راودراد، اعظم، نظریه‌های جامعه‌شناسی ادبیات و هنر، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۹۰.
- مولوی، جلال‌الدین محمد بلخی، کلیات مثنوی معنوی، به کوشش رینولد الین نیکلسون، تهران، نشر طلوع، ۱۳۷۲.
- مقداد، مهرابی، جهانی شدن و توان فرهنگ ایرانی: نقش مولانا جلال‌الدین محمد بلخی در مفهوم سازی فرهنگ، سایت www.farsnews.com، ۱۳۸۶.
- ولی‌پور هفشجانی، شهناز، لوسین گلدمن و ساخت‌گرایی تکوینی، مجله دانشکده علوم انسانی دانشگاه سمنان، سال هفتم، شماره ۲۵.

